

بررسی جامعه‌شناختی پدیده تروریسم و سنخ‌شناسی آن

داود نجفی^۱، نجات محمدی فر^۲

چکیده

پدیده تروریسم از جمله موضوعات مهم در عرصه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل است که در پی اوج‌گیری اعمال تروریستی در جهان، پژوهش‌ها و تحقیقات زیادی در مورد علل و پیامدهای آن در سراسر جهان انجام گرفته است. امروزه تروریسم به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مباحث در سطح بین‌المللی مطرح شده و کشورهای بسیاری را با چالش امنیتی روبه‌رو کرده است. تفاسیر بسیار زیادی در مورد ریشه‌های این پدیده و بهترین راه جلوگیری از آن ارائه شده است. بسیاری از این مباحث تحت تأثیر هیجان‌ها و انگیزه‌های مختلفی به‌وجود آمده‌اند، که خالی از پیش‌فرض‌های غیرعلمی نیز نبوده‌اند.

در سال‌های اخیر جامعه بشری با گسترش پدیده تروریسم مورد تهدید قرار گرفته است. این پدیده دیگر محدود به مرز جغرافیایی خاصی نمی‌باشد و خطری برای تمام دنیا محسوب می‌شود. گفتنی است پیشرفت‌های فناوری در زمینه‌های اطلاعات و ارتباطات و پیشرفت‌های اقتصادی و... همه در شکل‌گیری و گسترش این مسئله نقش داشته‌اند. وقوع حوادث وحشتناک تروریستی در جهان، در هزاره جدید، که انتظار می‌رفت دوره صلح و همزیستی باشد، نشان دهنده این است که هیچ فردی در هیچ جای دنیا از عملیات تروریستی در امان نخواهد بود. بر این اساس مقاله حاضر بر آن است تا پدیده تروریسم را از دیدگاه جامعه‌شناختی مورد بررسی قرار دهد.

کلیدواژه‌ها: تروریسم، جامعه‌شناسی خرد، جامعه‌شناسی میانی، جامعه‌شناسی کلان.

(۱) دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

(۲) دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

مقدمه

جامعه‌شناسان تا حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ علاقه کمی در مطالعه پدیده تروریسم از خود نشان می‌دادند. اگرچه در این زمینه روشهای دیگر مانند تجزیه و تحلیل جنگ به مدت طولانی برقرار بوده است، محققان عمدتاً بر مطالعات بر روی طبقه و مبارزات کارگری، روابط نژادی، جرم، خشونت‌های جمعی، شورش و انقلاب متمرکز شده‌اند. با این حال روش‌های جامعه‌شناختی در تلاش برای درک و فهم تروریسم، به طور مناسبی کاربردی شده‌اند. در این زمینه تورک به شدت معتقد است که رویکردهای جامعه‌شناختی نسبت به تروریسم نباید محدود شوند. به نظر او مطالعات جامعه‌شناختی نسبت به تروریسم نیاز به تمرکز بر موضوعات زیر دارد: ساخت اجتماعی تروریسم، تروریسم به عنوان خشونت سیاسی، تروریسم به عنوان ارتباطات، سازماندهی تروریسم، تروریست‌های اجتماعی، کنترل اجتماعی تروریسم و نظریه پرداززی درباره تروریسم (Turk, 2004: 271).

در حال حاضر به دلیل عدم وجود تجزیه و تحلیل قوی جامعه‌شناختی از تروریسم، دیدگاه‌های غیرجامعه‌شناختی توسط بسیاری از محققان، جهت درک بیشتر ریشه‌های اجتماعی تروریسم مورد استفاده قرار می‌گیرد. این امر منجر به درک نادرست در مورد ارتباط بین جامعه‌شناسی و تروریسم در میان محققان و خوانندگان شده است. بنابراین با توجه به ضعف ادبیات موجود در این زمینه، این مقاله سعی دارد پدیده تروریسم را از منظر سه سطح اصلی جامعه‌شناسی سیاسی، یعنی سطح خرد، میانی و کلان تجزیه و تحلیل کند. در ادامه مطالعات تجربی و تاملات نظری در زمینه تروریسم در قالب سه سطح تحلیل دسته‌بندی می‌شوند؛ سطح تحلیل فردی، گروهی و سیستمی. در سطح تحلیل اول یعنی همان سطح تحلیل فردی، پژوهش‌ها از منظر جامعه‌شناسی خرد ویژگی‌های فردی و شخصی اعضای سازمان‌های تروریستی را تبیین و تحلیل می‌کنند. در سطح تحلیل دوم که همان نگرش جامعه‌شناسی میانی است، تحولات و پویایی‌های سازمان‌های تروریستی در کانون توجه قرار می‌گیرد و بالاخره در سطح تحلیل سوم یا سیستمی مطالعات در قالب جامعه‌شناسی کلان انجام می‌گیرد و انواع گوناگون نظام‌های سیاسی که زمینه را برای رشد و توسعه تروریسم فراهم می‌کنند به بحث و بررسی گذاشته می‌شوند.

مفهوم یابی تروریسم

واژه ترور از ریشه لاتین "ters" به معنای ترساندن و وحشت گرفته شده است. ترور در لغت فرانسه به معنی هراس و هراس افکنی است (آشوری، ۱۳۸۰: ۹۹). این واژه در تاریخ تحول خود، گاه در توصیف اعمال دولت‌ها، گاه در تعریف اقدامات

انقلابی و یا به عنوان روشی در مبارزات ضداستعماری و...، با دو بار معنایی متفاوت مثبت و منفی به کار گرفته شده است. تعاریف آکادمیک پیچیده و مفصل هستند و کاربرد آنها در سطح عملی غیر ممکن است. تعاریف سیاسی پرابهام و اغلب وسیع هستند و بالاترین میزان آزادی عمل را به نهادهای سیاسی در تفسیر وقایع سیاسی عرضه می‌دارند (بدی، ۱۳۷۸: ۲۵۱). در نهایت نمی‌توان عدم حصول نتیجه مناسب را به متخصصان تروریسم نسبت داد زیرا آنها با یک رشته علمی بسیار تنگ نظرانه مواجه هستند (طیب، ۱۳۸۲: ۶۶).

تروریسم اساساً پدیده‌ای سیاسی است، اما از سایر پدیده‌هایی که سیاسی هستند و در علم سیاست مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرند از جمله پدیده‌های انقلاب، شورش، کودتا، راهزنی، جنگ، عملیات چریکی و امثال اینها متفاوت است. با این حال، تروریسم همراه با خشونت است و سعی دارد در جامعه ارباب و ترس و وحشت ایجاد کند تا به اهداف سیاسی خود دست یابد. تا به حال هیچ تعریف جامع و مانعی درباره تروریسم ارائه نشده است که محققان و متخصصان و صاحب نظران این حوزه، روی آن توافق داشته باشند. در نتیجه در تعریف تروریسم وحدت نظری وجود ندارد. اما صاحب نظران در مورد یک ویژگی آن اتفاق نظر دارند و آن هم این است که تروریسم همیشه با خشونت و یا تهدید به خشونت همراه است، با این حال، تلاش‌هایی در خصوص تعریف این پدیده انجام شده است. تعاریف تروریسم «نسبت نزدیکی» با گرایش‌ها و حالت‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و حتی فرهنگی افراد، گروه‌ها، سازمان‌ها، احزاب و حتی دولت‌ها دارد. هر کدام تعریفی متفاوت و گاه متعارض از تروریسم ارائه می‌دهند. مشکلات متصور و واقعی در خصوص تعریف تروریسم است که مایکل لیمن و گری پاتر را متقاعد ساخته است تا بگویند: «شرح و تبیین تروریسم از بسیاری جهات خیلی آسان‌تر از تعریف آن است» (لیمن و پاتر، ۱۳۸۲: ۱۹۸).

فرهنگ لغت علوم سیاسی آکسفورد در تعریف تروریسم آورده است: «تروریسم اصطلاحی است که میان دولت‌ها و اندیشمندان بر سر آن اجماع نیست، اما اغلب به استفاده مداوم و بدون استثنا در مفهومی تحقیرآمیز و برای توصیف اقدامات تهدیدکننده حیات که با انگیزه سیاسی توسط گروه‌های خودگماشته فروملی انجام می‌شود، گفته می‌شود» (Zalman, 2010).

در تعریف وزارت امورخارجه آمریکا از تروریسم آمده است «خشونت آگاهانه و دارای انگیزه مشخص سیاسی علیه اهداف غیرنظامی توسط گروه‌های فرو ملی یا عوامل زیرزمینی معمولاً با هدف تأثیرگذاری بر یک مخاطب». اف. بی. ای «کاربرد غیرقانونی زور یا خشونت علیه اشخاص یا اموال به منظور تهدید یا مجبور ساختن

یک حکومت، مردم غیرنظامی یا هر بخشی از آن برای پیشبرد اهداف سیاسی یا اجتماعی» را تروریسم می‌داند. البته معتقد است که عملی با ویژگی‌های فوق تنها زمانی اقدامی تروریستی به حساب می‌آید که مسئولیت آن را شخص، گروه یا سازمانی برعهده گیرد (Terrorism Research center, 2012).

علاوه بر این تلاش‌ها، در سطح بین‌المللی نیز اقدامات فراوان جهت حل معضل تروریسم صورت گرفته است، قطعنامه‌ها، بیانیه‌ها و گزارشات دوره‌ای صادر شده از سوی سازمان‌های بین‌المللی نشان از تاثیر تعارض منافع دولت‌ها در تعریف تروریسم در سطح جامعه جهانی دارد. اصلی‌ترین عامل در ایجاد چنین خلاء مفهومی دارای ماهیتی ایدئولوژیک است، امری که ارائه تعریفی مورد پذیرش تمامی گروه‌ها و منتفع را غیر ممکن می‌کند. بدین ترتیب همانطور که الکس اشمید می‌گوید موضوع تعریف واژه‌ای مانند تروریسم را نمی‌توان منفک از مرجع تعریف‌کننده اش دانست (Schmid, 1985: 6). اشمید تعریفی طولانی که حاصل ترکیب ۱۰۹ تعریف است را ذکر می‌کند که به عنوان نمونه‌ای از یک تعریف کلاسیک ذکر می‌گردد: تروریسم شیوه اقدامات خشونت‌آمیز تکراری به منظور ایجاد دلهره و رعب و وحشت است که به دلایل سلیقه‌ورزی جنایی یا سیاسی بوسیله افراد، گروه‌ها یا عوامل دولتی مخفی یا نیمه‌مخفی، پشت هدف اصلی پنهان می‌شود، به کار گرفته می‌شوند، قربانیان مستقیم به صورت اتفاقی یا گزینشی (به نمایندگی یا هدف سمبلیک) از یک جمعیت هدف و برای انتقال پیام به کار گرفته می‌شوند. تروریست‌ها از این روند ارتباطی خشونت یا تهدید محور برای اداره‌ی اهداف اصلی بهره‌می‌گیرند و بر این اساس که ابتدائاً چه هدفی را دنبال می‌کرده‌اند سبب وحشت، توجه یا اطاعت اهداف اصلی می‌گردند (Schmid, 1985). به هر حال با اینکه هیچ توافقی کلی روی تعریف واحد از تروریسم وجود ندارد ولی به نظر می‌رسد محورهای اصلی تروریسم عبارتند از:

- ۱- تروریسم یک پدیده کاملاً سیاسی است؛ ۲- تروریسم همراه با خشونت یا تهدید به خشونت است؛ ۳- تروریسم دارای عقلانیت سود محور است؛ ۴- تروریسم یک پدیده معنادار و حاوی پیام است. معنا یا پیام آن این است که یک تروریست در طرح خواسته‌های خود و در رسیدن به هدف خود و در رساندن مقصود و منظور خود به طرف‌های مقابل (که عمدتاً دولت‌ها هستند) به دلیل شرایط حاکم بر وضعیت موجود از راه‌هایی غیر از ترور از جمله گفتگو و مذاکره در مانده و به نظر خودش به منظور حفظ بقاء خودش به آخرین راه حل، یعنی ترور دست زده است (Steinholfe, 2007: 109).
- ۵- تروریسم یک پدیده سازمان‌یافته است. برخی معتقدند که امروزه تروریسم بدون سازماندهی منسجم و یا اهداف شکل داده شده کار نمی‌کند (Mythen and Walk-)

398: (late,2006).

به این ترتیب از زوایه جامعه‌شناسی سیاسی شباهتی خاص بین تمام پدیده‌های وحشتناک تروریستی با سطح تحلیل محلی و جهانی در سراسر جهان وجود دارد. هیچکدام از این هزاران پدیده شباهتی با پدیده‌های شناخته شده سیاسی در علوم سیاسی و جامعه‌شناسی مثل شورش‌ها، جنگ‌ها، انقلابات، کودتاها و... ندارند. این پدیده‌ها در حال حاضر تحت عنوان "تروریسم شناسی" موضوع مطالعات جدی محافل پژوهشی و تحقیقاتی است.

تاریخچه تروریسم

خسونت پدیده‌ای است که بشر از دیرباز با آن مواجه بوده است. تروریسم به عنوان وجهی از خسونت هم در تاریخ کشورهای غرب و هم در کشورهای شرقی، مدام اتفاق افتاده است. در تاریخ می‌توان سراغ گرفت که ترورهایی به صورت سازمان یافته علیه دشمنان سیاسی صورت گرفته است. «اصولاً تاریخ روم مالامال از دسیسه‌چینی برای از میان برداشتن رقبای سیاسی و چهره‌های برجسته سیاسی و اجتماعی است که بیشتر از آبخور جاه‌طلبی و کینه‌جویی سیراب شده است» (طیب، ۱۳۸۰: ۵۶). این وضعیت تا به امروز نه تنها کمتر نشده بلکه حتی به سمت تثویزه شدن هم رفته است بطوری که «آنارشیست‌های پایان سده نوزدهم اروپا برای توصیف حملات خونین خود از کاربرد عبارت «تبلیغ عملی» ابایی نداشتند» (بورینه، ۱۳۸۲: ۱۱۵).

برخی از صاحب نظران معتقدند که سوء قصد به جان جولوس سزار در سال ۴۴ قبل از میلاد به عنوان یکی از قدیمی ترین انواع تروریسم می باشد (احمدیان راد، ۱۳۹۱). در کشورهای شرقی از جمله ایران نیز سوء قصد علیه قدرتمندان، تاریخچه طولانی و غم‌انگیزی دارد. این پدیده در امپراطوری‌های ایران باستان به کرار اتفاق افتاده است. خسرو پرویز پادشاه ساسانی به دست درباریان کشته شد. آوازه جنبش فرقه اسماعیلیان به رهبری حسن صباح در طرح‌ریزی و انجام ترورهای سازمان یافته چنان بلند بوده است که غربیان نه تنها در گذشته بلکه امروز هم شیفته و علاقمند به آنان هستند «چراکه برخی از ویژگی‌های این جنبش یادآور جنبش‌های تروریستی معاصر است» (طیب، ۱۳۸۲: ۱۹). افرادی چون نادرشاه افشار و آقا محمدخان و ناصرالدین شاه قاجار با ترور از پای درآمدند.

با این حال مبدا آغاز تروریسم را در ایران به زمان اسماعیلیه به رهبری حسن صباح، نسبت می دهند. توسل به خسونت برای نیل به اهداف سیاسی قبل و بعد از انقلاب اسلامی ادامه داشت و مخصوصاً از سال ۱۳۵۷ رشد چشمگیری در انجام عملیات تروریستی توسط نیروهای ضدانقلاب مشاهده شده است (احمدیان راد، ۱۳۹۱).

سنخ‌شناسی تروریسم

با نگاهی به انواع سنخ‌شناسی از تروریسم می‌توان دریافت که بسیاری از گونه‌هایی که به عنوان تروریسم مطرح شد اصولاً دارای مختصات و ویژگی‌های مورد نظر در یک فعل تروریستی نیستند. با این حال برخی صاحب‌نظران با توجه به اهداف و انگیزه‌های ترور، تقسیم‌بندی‌هایی برای تروریسم بیان داشته‌اند که در اینجا با توجه به فرهنگ‌ها و دانشنامه‌ها، خصوصاً دانشنامه‌های مرتبط با موضوع تروریسم و همچنین با توجه به پیشینه تحقیقاتی که در ایران نوشته شده به معرفی انواع و ابعاد تروریسم به طور جامعی پرداخته می‌شود که متداول‌ترین آنها عبارتند از:

سنخ‌شناسی تروریسم بر اساس عینیت تاریخی

این تقسیم‌بندی را فیرحی و ظهیری (۱۳۸۷) در مقاله‌ای با عنوان «رهیافت‌های موجود در تحلیل پدیده تروریسم» بیان کرده‌اند. از دیدگاه آنان این تقسیم‌بندی نسبت به تقسیم‌بندی‌هایی که تا به حال در مورد انواع تروریسم ارائه شده است، از عینیت و تاریختی بیشتری برخوردار است. از این حیث، می‌توان تروریسم را به ترتیب فرایند تاریخی به پنج نوع زیر تقسیم‌بندی کرد:

۱. تروریسم پیشامدرن (سنتی): این نوع از تروریسم «بیشتر در بیرون از بطن غیر سیاسی جامعه اتفاق می‌افتاد و پای مردم عادی به وسط ماجراهای مربوط به تروریسم کشیده نمی‌شد». در واقع تروریست‌ها در عصر پیشامدرن «نابود کردن فیزیکی هدف‌هایی را که برای اقدام‌های خود بر می‌گزیدند برای بازتاب دادن اعتراض و نشان دادن اینکه نیروی مقاومتی وجود دارد، انجام می‌دادند». بنابراین در تروریسم سنتی «هدف، بیشتر از بین بردن موجودیت فیزیکی دارندگان قدرت است که در نظر ترورکننده، وارث نامشروع قدرت شده است» (فیرحی و ظهیری، ۱۳۸۷: ۱۵۶-۱۵۰).

۲. تروریسم مدرن: این نوع از تروریسم با پیدایش دولت-ملتها و تسریع در روند دموکراتیزاسیون، به وجود آمد. «مشخصه تروریسم در دوران مدرن، کشیده شدن مردم به صحنه جنگ قدرت و استفاده از مردم در اتخاذ راهبردهای مستقیم و غیر مستقیم برای کسب قدرت و امتیاز است. مستقیم به صورت حذف فیزیکی مهره‌های قدرت سیاسی و غیر مستقیم از طریق ارباب و تهدید مردم به ترور و بعضاً با انجام چند اقدام تروریستی معنادار مردم را وادار می‌کنند تا اینکه بر دولت‌های خود فشار بیاورند تا این دولت‌ها در مقام حل مشکل تروریسم برآیند و گرنه کارآمدی و مشروعیت مردمی خود را از دست خواهند داد.» (فیرحی و ظهیری، ۱۳۸۷: ۱۵۶-۱۵۰).

۳. تروریسم پسامدرن: «تروریسم پسامدرن در واقع تعمیق و پیچیده شدن رویدادهای تروریستی در جوامع است». بدین معنی که به دلیل توسعه ارتباطات و تبادل اطلاعات

«همچنان شکل پیشامدرن و مدرن حرکت های تروریستی در جوامع ادامه پیدا کرده اند و ادامه خواهند یافت.» (فیرحی و ظهیری، ۱۳۸۷: ۱۵۶-۱۵۰).

۴. تروریسم در عصر اتم و جنگ اجتماعی: تسلیحات هسته‌ای باعث ایجاد تغییری ژرف در ماهیت جنگ شد. یک قدرت هسته‌ای نمی‌تواند به خاطر ترس از تشدید کنترل نشدنی جنگ به یک جنگ هسته‌ای تمام عیار که در آن «پیروزی» در هر تعریف کلاسیک از این واژه دست نیافتنی است، ابزار نظامی‌اش را علیه قدرت هسته‌ای دیگر به کار گیرد. حتی از جنگ غیرهسته‌ای محدود بین قدرت‌های هسته‌ای باید پرهیز شود. زیرا نتایج کاملاً غیرقابل پیش‌بینی و شرایط کاملاً ناپایدارند. در نتیجه، زور مهلک باید برای داشتن کارآیی در دستیابی به اهداف سیاسی به شکل دیگری به کار گرفته شود. در گذشته، آنچه ناپایدارترین و غیرقابل پیش‌بینی‌ترین وسیله اعمال زور مهلک برای اهداف سیاسی بود، اکنون پایدارترین شکل آن شده است. به جای اتکا به جنگ تمام عیار نامحدود که مستلزم بسیج طیف وسیعی از منابع نظامی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ملت‌ها است، دولت‌ها درگیری‌های کم شدتی را به کار می‌گیرند که اغلب در آنها از نیروهای نظامی جایگزین استفاده می‌شود. بسیاری از ملل مجهز به تسلیحات هسته‌ای در پی استفاده از کارآیی درگیری‌های کم شدت بوده‌اند، ولی احتمالاً اتحاد جماهیر شوروی قبل از فروپاشی به بهترین نحو از بکارگیری نیروهای اجتماعی برای دستیابی به اهداف سیاست خارجی خود و عمدتاً از طریق دو محور عملیاتی همبستگی نیروها و جنگ‌های آزادیخواهی ملی، بهره‌برداری کرد. جنگ‌های آزادیخواهی ملی تقریباً منحصراً متکی بر اقدامات قدرت نظامی‌اند. اگرچه قدرت نظامی عنصر عمده همبستگی نیروهاست، اما این مفهوم دامنه بسیار وسیعتری را دربر می‌گیرد.

بنابراین این نوع از تروریسم بیشتر به استفاده اتحاد جماهیر شوروی از پدیده تروریسم مربوط می‌شود. بدین معنی که در عصر اتم، شوروی برای جلوگیری از شروع شدن یک جنگ تمام عیار، که در آن هیچ تضمینی برای پیروزی و یا در امان بودن طرف‌های درگیر نخواهد بود، به جنگ فرسایشی و استفاده از ترور و نیروهای اجتماعی روی آورد. بدین سان «شرایط عصر اتم، بکارگیری تروریسم را به عنوان وسیله‌ای کارآمد برای تأثیرگذاری بر اهداف سیاسی مخصوصاً در درگیری‌های بین قدرت‌های مجهز به تسلیحات هسته‌ای و متحدینشان ممکن ساخته است» (فیرحی و ظهیری، ۱۳۸۷: ۱۵۶-۱۵۰).. به عبارت بهتر تروریسم جایگزین جنگ کلاسیک شد.

۵. تروریسم مجازی (سایبرتروریسم): تروریسم مجازی عبارت است از «بهره‌گیری از اینترنت و شبکه‌های رایانه‌ای و امکاناتی که این شبکه‌ها پدید می‌آورند با هدف نابود ساختن ساختارهای زیربنایی یک جامعه مانند انرژی، حمل‌ونقل، فعالیتهای دولتی و

تأثیر گذاشتن بر یک دولت، شهروندان، گروه‌ها و...» (عباسی، ۱۳۸۳: ۳۰). بدین ترتیب تروریست‌ها با استفاده از رایانه‌ها می‌توانند در بین مردم ترس و وحشت ایجاد کرده و با از کار انداختن امکانات فنی، رایانه‌ها را که زندگی اقتصادی و اجتماعی و حتی فرهنگی و سیاسی مردم وابسته به آن است، در مقیاس وسیعی بر آنها زیان رسانده و در سطح گسترده‌ای، جنگ رسانه‌ای و کشت و کشتار راه بیاندازند. از این طریق و نیز از طریق تهدید به حمله، بیشتر، از طرف‌های مقابل خود امتیاز بگیرند. به‌رحال امروز دنیای رایانه که در ارتباط با زندگی مردم است دنیایی است که هر لحظه مورد تهدید تروریست‌هاست و این نگرانی و احتمال وقوع این اتفاق، روز به روز هرچه بیشتر مردم جوامع را دچار ترس و وحشت می‌کند (فیرحی و ظهیری، ۱۳۸۷: ۱۵۶-۱۵۰).

سنخ‌شناسی تروریسم بر اساس جهت‌گیری سیاسی

۱. تروریسم انقلابی: در این نوع از تروریسم، اشکالی از خشونت سیاسی مورد استفاده قرار می‌گیرد که خارج از عرف می‌باشد. این نوع از تروریسم در نهایت به انقلاب منتهی شده و به تغییرات ساختاری در جامعه منجر می‌شود. در واقع اینها افرادی هستند که تاکتیک‌های شبه‌پارتیزانی‌شان هم در کسانی که قدرت سیاسی را دوست دارند و هم در پشتیبان‌های آنها ایجاد هراس می‌کند و هدفشان براندازی دولت‌مردان موجود و جایگزینی رهبران سیاسی هم‌نظر با تروریست‌ها می‌باشد.
۲. تروریسم شبه‌انقلابی: تروریسم شبه‌انقلابی اشکالی از خشونت سیاسی را مورد استفاده قرار می‌دهد که غیر عادی می‌باشد و هدف از این اعمال نیز ایجاد تغییرات گوناگون در جنبه‌هایی از سیستم سیاسی رسمی می‌باشد.
۳. تروریسم سرکوب‌کننده: در این نوع از تروریسم سیستم سیاسی، علیه مخالفان داخلی و خارجی خود، از اشکال غیر عادی خشونت سیاسی استفاده می‌کند (احمدیان راد، ۱۳۹۱).

سنخ‌شناسی تروریسم بر اساس محل جغرافیایی بازیگران

۱. تروریسم بین‌المللی: این نوع تروریسم به اعمال تروریستی که به منظور تامین مقاصد خاص در سطح بین‌المللی انجام می‌شود اطلاق می‌گردد. «اعمال ترور و خشونت فردی و جمعی که قربانی یا مرتکب شهروند دولتهای گوناگون باشد و یا به عبارتی اینگونه رفتارها در بیش از یک کشور رخ دهد و یا یک هدف مورد حمایت بین‌المللی همانند کشتن غیر نظامیان بیگناه، سرنگونی هواپیماهای غیرنظامی و نابودی کارکنان سازمانهای بین‌المللی را دربرگیرد و مقصود از آن نیل به نتیجه‌ای قدرت طلبانه یعنی تغییر یا حفظ ساختارهای سیاسی و اجتماعی و اقتصادی یک دولت یا

یک سرزمین مشخص بوده باشد.» در این نوع تروریسم یک عنصر بین المللی دخالت دارد و در موارد زیر رخ می دهد:

- اختلاف ملیت شرکت کنندگان در عملیات تروریستی
- اختلاف ملیت قربانیان تروریسم
- اختلاف محل اجرا با محل برنامه ریزی
- انجام عملیات تروریستی علیه وسایل حمل و نقل بین المللی (هواپیما و کشتی و...)
- تفاوت محل طراحی و اجرای عملیات تروریستی
- فرار و پناهندگی تروریست پس از انجام عملیات به کشوری دیگر

این نوع تروریسم تابع صلاحیت سرزمینی کشور خاصی نیست، بلکه اصول حقوق بین الملل عمومی درمورد آن حاکم است که مجازاتهای بازدارنده را تعیین می کند(صدقیانی، ۱۳۹۱).

۲. تروریسم داخلی: تروریسم داخلی تروریسمی است که با فراهم آمدن شرایط زیر، در داخل مرزهای یک کشور صورت می گیرد:

- شرکت کنندگان و قربانیان تابع همان کشورند
- نتایج محدود به همان کشور است
- عملیات مقدماتی، شروع و اجرا در همان کشور صورت گرفته باشد(صدقیانی، ۱۳۹۱).

از جمله حملات تروریستی مسلحانه داخلی و حکومتی می توان از عملیات نسل کشی و پاکسازی قومی و نژادی داخلی نام برد که برخی از دستگاه های حکومتی اجرا می کنند. بر این اساس، «آنچه که در شیلی و کامبوج توسط نیروهای مسلح حکومتی صورت پذیرفت و نیز حملات مسلحانه نیروهای حکومتی صرب علیه مسلمانان یوگسلاوی و آن چه که رژیم صدام در عراق علیه غیر نظامیان و گروه های سیاسی و مذهبی انجام می داد از نمونه های تروریسم مسلحانه داخلی به شمار می آیند. برخی از عملیات تروریستی مسلحانه ممکن است توسط افراد و گروههای مسلح غیر حکومتی انجام پذیرد که در این نوع عملیات، قتل، ترور، انفجار و تخریب وجود دارد» (الشیخ محمد، ۱۳۸۷).

۳. تروریسم بیگانه: در این نوع تروریسم، تروریست ها در خارج از قلمرو قدرت دولتی قرار دارند که علیه آن دست به عملیات تروریستی میزنند و یا اینکه در خارج از قلمرو دولت مذکور دست به عملیات می زنند (الشیخ محمد، ۱۳۸۷).

سنخ شناسی تروریسم بر اساس انگیزه ها

۱. تروریسم سیاسی: تروریسم سیاسی نوعی از تروریسم است که برای تحت تأثیر قرار دادن تحولات اجتماعی - سیاسی که احتمال وقوع آنها به طریق مسالمت آمیز

- میسر نمی‌باشد، به کار می‌رود. تروریسم سیاسی معمولاً از سوی گروه‌هایی مورد استفاده قرار می‌گیرد که فاقد پایگاه قدرت می‌باشند.
۲. تروریسم ملی‌گرایانه: این نوع از تروریسم سایر گروه‌های قومی و ملی را از همه امتیازات موجود در جامعه از جمله سیاسی، اقتصادی و غیره محروم می‌کند.
۳. تروریسم مذهبی: این نوع از تروریسم تنها رهبری مذهب خود را پذیرفته و سایر مذاهب را سرکوب می‌کند.
۴. تروریسم جنایت‌کارانه: این نوع از تروریسم همه منافع تجاری را صرفاً برای اهداف خود می‌خواهد (احمدیان راد، ۱۳۹۱).

سنخ‌شناسی تروریسم از دیدگاه سامی‌الشیخ محمد

نوع دیگری از سنخ‌شناسی تروریسم بوسیله سامی‌الشیخ محمد صورت گرفته است. از دیدگاه وی تروریسم عبارت است از فعالیت‌های خصمانه و مجرمانه‌ای که به افراد، گروه‌ها و یا حکومت‌ها خسارت‌های مالی و معنوی وارد می‌کند. از طرف دیگر تروریسم نتیجه قطعی درگیری‌های اضداد در جهان است. آنگاه که عناصر «شر» بر عناصر «خیر» برتری و غلبه می‌یابند، تروریسم شکل می‌گیرد. کشته شدن هابیل به دست برادرش قابیل یک عمل تروریستی است. این عمل مجرمانه نتیجه درگیری بین خیر و شر است. هابیل نمونه خیر و قابیل نمونه شر بود. بنابراین تروریسم ثمره غلبه شر بر خیر می‌باشد. تروریسم صورت ظاهری «شر» است همان‌طور که مقاومت صورت ظاهری «خیر» می‌باشد و پیروزی مقاومت مساوی با پیروزی خیر است.

از دیدگاه الشیخ محمد مهمترین انواع تروریسم عبارتند از:

۱- تروریسم مسلحانه: این نوع تروریسم از طریق اعمال خشونت مسلحانه توسط حکومت‌ها، گروه‌ها، و یا افراد و با هدف اذیت و آزار انسان‌ها همراه با تحریم‌های اقتصادی انجام می‌پذیرد و غالباً قربانیان این نوع تروریسم نیز انسان‌های بی‌گناه می‌باشند.

۲- تروریسم سیاسی: این نوع تروریسم در بالا توضیح داده شد.

۳- تروریسم اقتصادی: تروریسم اقتصادی نیز دو نوع است: خارجی و داخلی. تروریسم اقتصادی خارجی فعالیت خصمانه‌ای است که از طرف برخی نیروهای فعال بین‌المللی و موسسه‌ها و یا شرکت‌هایی که فعالیت اقتصادی دارند به منظور اعمال فشار و تحمیل سیاست‌های مختلف علیه کشورها، حکومت‌ها، گروه‌ها و یا افراد انجام می‌گیرد. تروریسم اقتصادی جدای از اهداف سیاسی نیست؛ بنابراین ممانعت از صادرات و فعالیت سرمایه‌گذاری در خارج و یا تهدید به اجرای تحریم‌هایی که در مورد برخی از کشورها اعمال می‌شود، از نمونه‌های تروریسم اقتصادی خارجی محسوب می‌شود. از اینرو اقدامات تحریمی که توسط آمریکا علیه برخی کشورها

انجام گرفته از انواع تروریسم اقتصادی خارجی است. قربانیان تروریسم اقتصادی فقط منحصر به کشورها، حکومت‌ها و جریان‌ها و احزاب سیاسی - ملی نمی‌شود، بلکه این عملیات تا نابودی کامل ملت‌ها پیش می‌رود. ممانعت و متوقف کردن صادرات عراق و فلسطین از طرف آمریکا و رژیم صهیونیستی و نیز بستن بازارهای کار بر روی کارگران فلسطینی و ساکنان مناطق کرانه غربی و نوار غزه از سال ۱۹۴۸ تا کنون، شکل دیگری از تروریسم اقتصادی است. اما تروریسم اقتصادی داخلی نیز شامل فشار و یا تهدید و ایجاد درگیری برخی از گروه‌ها و احزاب سیاسی و اقتصادی منطقه‌ای علیه افراد و فعالان اقتصادی حکومتی و غیر حکومتی می‌شود. همچنین از بین بردن فرصت‌های برابر اقتصادی بین افراد یک جامعه صورت‌های دیگری از تروریسم اقتصادی داخلی است.

۴- تروریسم فکری: عللی که سبب ایجاد تروریسم فکری می‌شود نبود آزادی‌های قانونی و مشروع و گسترش ظلم و استبداد در مورد کسانی است که بدون هرگونه ترس و واهمه می‌خواهند عقاید، افکار و نظرات خود را اظهار نمایند. عواملان این نوع تروریسم به عقب ماندگی فرهنگی و تمدنی تمایل بیشتری دارند. پدیده تروریسم فکری نه تنها در جوامع سنتی و صاحب فرهنگ منحصر به فرد گسترش می‌یابد، بلکه در جوامع پیشرفته هم وجود دارد. بنابراین تروریسم فکری یک پدیده جهانی است.

۵- تروریسم جسمی: هدف از انجام این عملیات آسیب رساندن به جسم از طریق اعمال خشونت و تعذیب است که موجب بروز درد و رنج در جسم و روح شده و خسارات و لطمات جسمی و عقلی گوناگونی را در فرد شکنجه شده ایجاد می‌کند، این عملیات گاهی به مرگ شخص نیز منتهی می‌شود. این اعمال گاه از روی کینه و تنفر و نوعی انتقام جویی و یا به منظور دستیابی به اعترافات و یا به هدف گرفتن قربانی انجام می‌گیرد.

۶- تروریسم اجتماعی: تهدید جامعه از طرف مجموعه‌ای از قدرت حاکمه که این کار از طریق تحمیل آراء، روش‌ها، سنت‌ها و آداب ویژه آنها صورت می‌گیرد. تروریسم اجتماعی ابتدا نسبت به جامعه‌ی کوچکی مانند خانواده انجام می‌شود تا از این طریق بتوانند به بزرگترین مؤسسه‌های اجتماعی و کل جامعه دست یابند. بر اساس این تعریف خود فرد، یک اجتماع است و بر جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند، تاثیر گذار است و چون فرد به عنوان یک قدرت فعال در زندگی اجتماعی است لذا مورد تهدید و وعده و وعید قرار می‌گیرد. محرومیت زنان از حقوق شخصی نیز تروریسم اجتماعی محسوب می‌شود.

۷- تروریسم محیطی: رعایت نکردن و نقض مسائل محیطی که در اثر آن سلامت محیط به خطر می‌افتد از نمونه‌های تروریسم محیطی به شمار می‌آید. این نوع

تروریسم توسط کشورهای صنعتی پیشرفته انجام می گیرد. آنها برای دستیابی به محیط طبیعی در جهان به روش ها و عملیات مجرمانه دست می زنند. تولید زباله های اتمی و شیمیایی و انتشار آنها در بسیاری از مناطق جهان، آینده ی زندگی و بقای انسان در سیاره ی زمین را تهدید می کند.

۸- تروریسم روحی و روانی: اصولاً تروریسم دو بعد مادی و معنوی دارد. بعد مادی تروریسم همان آثار حسی و ملموس برجای مانده از آن است. اما بعد معنوی تروریسم، آثار روحی و روانی مستقیم و غیر مستقیمی را در زندگی انسان دارد. بنابراین هر کدام از انواع تروریسم خواه مسلحانه باشد یا سیاسی، اقتصادی، فکری، جسمی، اجتماعی و محیطی همگی تأثیرات منفی بی شماری را بر روح و روان انسان بر جای می گذارند. مشاهده ی قتل، ترور، تخریب، انهدام و انفجار، به ذلت کشاندن شخصیت ها و دیگر انواع ظلم و ستم، حالت هایی از ترس، احساس نگرانی و عدم امنیت و عدم ثبات روحی به وجود می آورد که حتی بعد از برطرف شدن عامل نگرانی و ترس، این احساسات زمان طولانی در زندگی انسان باقی مانده و تأثیر گذار است. بنابراین نه تنها آثار و پیامدهای روحی و روانی ناشی از تروریسم کمتر از آثار مادی آن نیست، بلکه در بیشتر اوقات آثار معنوی تروریسم بیشتر از آثار مادی آن می باشد (الشیخ محمد، ۱۳۸۷).

علل و عوامل ایجاد و رشد تروریسم

از مهمترین علتهای پیدایش و گسترش تروریسم می توان به عوامل زیر اشاره کرد :
 ۱) شهرنشینی و کلاً تمرکز جمعیت را از نظر نتایج و آثار مورفولوژیکی آن می توان یکی از موجبات پیدایش و گسترش تروریسم در جامعه دانست. در جامعه های بیابانگرد و کوه نشین پدیده ای به نام ترور شناخته شده نیست. چون همانطور که ذکر شد ترور جنبه سیاسی داشته و سیاست مستلزم وجود دولت و تأسیسات دولتی منجمله نیروهای انتظامی است. جامعه های ابتدایی که هنوز به مرحله شهر نشینی نرسیده اند، نه دولتی می شناسند، نه سیاستی و نه تروری.

۲) عدم تعادل و انسجام، و بی قانونی در جامعه عامل دیگری برای پیدایش و رشد تروریسم است. هر قدر همبستگی و پیوند میان قشرها و اجزاء جامعه ای بیشتر باشد به همان نسبت رشد تروریسم در آن کمتر است.

۳) خودکامگی و استبداد بی حد و مرز و بی خردانه نیز از موجبات بروز تروریسم است.

۴) در دوران تحول و دگرگونی نظامهای سیاسی، یا حتی تغییر نظام های سیاسی رشد

و افزایش تروریسم مشاهده می‌شود. ترور می‌تواند وسیله‌ای برای فراهم کردن دولت جدید به جای دولت پیشین باشد.

۵) یکی از عوامل بسیار مهم و مؤثر در گسترش تروریسم اختلاف و تضادهای مذهبی و ایدئولوژیکی است. دین، مذهب و ایدئولوژی عامل بسیار مهمی در انگیختن احساسات انسان و تحریک او به انجام عملیات جسورانه است که ممکن است شکل تروریستی بخود گیرد (انورخامه‌ای، ۱۳۸۱: ۸۵).

غیر از اینها ممکن است عوامل دیگری را نیز در پیدایش و گسترش تروریسم مؤثر دانست. اما نکته مهم و قابل توجه آن است که در اغلب موارد بیش از یک عامل بلکه مجموعه‌ای از عوامل مؤثر بوده‌اند منتها یکی از این عوامل نمایان‌تر و اثربخش‌تر بوده است.

تروریسم در نظریه جامعه‌شناسی سیاسی جدید

نظریه جامعه‌شناسی قدیم رابطه بین دولت و جامعه را در درون مرزهای ملی کشورها بررسی می‌کرد. از این دیدگاه صرفاً می‌توان نوعی خاص از تروریسم کنونی یعنی تروریسم دولتی را شرح داد و امروز این کافی نیست. بدلیل اینکه همانطور که نظریه جامعه‌شناسی اخیر شرح می‌دهد اولاً دولت‌ها دیگر قدرتمندترین بازیگران سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نیستند بلکه این جنبش‌های اجتماعی جدید هستند که به عنوان بازیگر اصلی یا حداقل یکی از بازیگران اصلی در تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و حتی اقتصادی نقش بازی می‌کنند و لذا در تبیین تحولات جوامع، بی‌توجهی به آنها نقص اساسی در ارائه هر تبیینی از تحولات خواهد بود. ثانیاً این جنبش‌ها مرزهای ملی را درنوردیده و بعد جهانی پیدا کرده‌اند. یعنی جنبش‌های اجتماعی درون مرزهای ملی کشور در سطح جهان با وجود سنت‌های متفاوت اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و... خصالت‌هایی مشابه پیدا کرده‌اند و به صورت یک کل واحد عمل می‌کنند. بدین ترتیب از طریق نظریه جدید می‌توان ویژگی مشخصی را در تمام پدیده‌های تروریستی در جهان امروز نشانه‌گذاری کرد که به تئوریزه کردن پدیده تروریسم کمک خواهد کرد (متقی و دیگران، ۱۳۸۸: ۸). به عنوان مثال، بر اساس نظریه جامعه‌شناسی جدید کنش‌های فردی و گروهی در درون جنبش‌های اجتماعی جدید، نمادین هستند. بر این اساس همانطور که روبرت پیپ با تحقیقات تجربی نشان داده، به همان اندازه که پدیده یازده سپتامبر یک پدیده تروریستی نمادین است، به همان اندازه هم کنش‌ها تروریستی بیرهای تأمیل در سریلانکا و به همان اندازه پدیده‌های تروریستی لندن در جولای ۲۰۰۵ نمادین هستند (Pape, 2005: 343). اکنون پدیده تروریسم را از منظر جامعه‌شناسی سیاسی در سه سطح تحلیل بررسی خواهیم کرد.

سطح جامعه‌شناسی خرد

در سطح تحلیل جامعه‌شناسی خرد، خصایص و ویژگی‌های شخصی و فردی اعضای سازمان‌های تروریستی تبیین و تحلیل می‌شود. بسیاری از مطالعات در بررسی خصایص و ویژگی‌های شخصی و فردی اعضای سازمان‌های تروریستی از رهیافت روانشناسی - جامعه‌شناختی استفاده می‌کنند. در این قبیل بررسی‌ها، انگیزه‌های درونی و ذهنی افراد از عضویت در یک جنبش مورد پژوهش قرار می‌گیرد. بر این اساس، محققانی که محرومیت نسبی را عامل اصلی هواداری افراد از یک جنبش می‌دانند، معتقدند که اعضای سازمان‌های تروریستی از بین گروه‌هایی برآمده‌اند که بین توقعات خود و واقعیات شکافی می‌بینند و همین احساس محرومیت به افراد انگیزه می‌دهد برای رفع محرومیت خود به سازمان‌های تروریستی بپیوندند یا از آنها حمایت کنند (گار، ۱۳۹۱). بر طبق این نظریه، موقعیت باعث پرخاشگری می‌شود. به طوری که فرد در موقعیت‌های فردی با مشکل مواجه شده که برای رهایی از آن دست به پرخاشگری می‌زند. مثل محرومیت یا موقعیت‌هایی که منجر به زیر سؤال رفتن شخصیت و اعتبار فرد می‌شود. کسانی که پرخاشگری را بر اساس نظریه محرومیت نسبی تحلیل می‌کنند معتقدند که ناکام ماندن تلاش‌ها و کوشش‌هایی که فرد جهت تسلط بر موقعیتی و یا رسیدن به هدفی به کار می‌برد موجب پدیدار شدن پرخاشگری می‌گردد. از این دیدگاه، فرد پرخاشگر وقتی با مانع و عامل -ذهنی یا عینی- ناکامی برخورد می‌کند ممکن است دست به اعمال غیر عقلانی خصوصت، خشونت و اعمال تروریستی بزند.

برخی دیگر از نظریه پردازان در تبیین ریشه‌های شکل‌گیری خشونت از نظریه جامعه‌توده‌ای، کمک می‌گیرند. بر اساس این نظریه افرادی که از اجتماع طرد می‌شوند به اشکال مختلفی از خشونت سیاسی پناه می‌برند و به سازمان‌های تروریستی می‌پیوندند (Kornhauser, 1959). ویلیام کورن‌هاوزر، نظریه‌پرداز جامعه‌توده‌وار، در کتاب سیاست جامعه‌توده‌ای، چنین جامعه‌ای را نظامی اجتماعی می‌داند که در آن گروه‌های برجسته و نخبگان به آسانی، در معرض نفوذ توده‌ها قرار می‌گیرند و توده‌ها نیز مستعد بسیج‌بوسیله گروه‌های برجسته اجتماعی هستند. بسیج‌پذیری توده‌ها در گرو این است که اعضای جامعه فاقد همبستگی و تعلق تا چه حد به گروه‌های مستقل، جماعات محلی، جمعیت‌ها و انجمن‌های آزاد، احزاب و گروه‌های شغلی وابسته‌اند. گسستگی روابط شخصی افراد و نیز گسترش سازمان‌های اداری و دیوانی و گروه‌های واسطه میان فرد و دولت از دیگر ویژگی‌های جامعه‌توده‌وار است. در چنین شرایطی احتمال وقوع جنبشی توده‌ای (از نوع تروریستی) افزایش می‌یابد (Kornhauser, 1959).

ژان بودریا نیز در کتاب خود بنام «در سایه اکثریت خاموش» به مشابهت میان

جامعه‌های توده‌ای و تروریسم می‌پردازد. او ابتدا وضعیت ناسازهای که بستر ظهور تروریسم است شرح می‌دهد. بدین ترتیب، توده‌ها در وضعیت ناسازوارهای که از معنا تهی می‌شود، در وضعیتی که واقعیت به «امر حاد واقعی» تبدیل می‌گردد، مظهر وضعیت تازه‌ای می‌شوند که با سکوت و عدم مشارکتشان، به نوعی بلای انقلاب را در جامعه می‌پاشند. او حرکت توده‌ها را نوعی انقلاب خاموش تفسیر می‌کند. اما تنها پدیده‌ای که می‌تواند باین شکل از انقلاب همخوانی و مجانست داشته باشد، تروریسم است. هیچ پدیده‌ای به اندازه تروریسم نمی‌تواند وضعیتی را که از قطع رابطه توده‌ها با امر اجتماعی صورت می‌گیرد، بیان کند. امرهایی که به قدرت مربوط هستند شاید بتوانند توده‌ها و تروریسم را در مقابل هم قرار دهند اما هم‌گرایی این دو را در انکار امر اجتماعی نمی‌توان رد کرد. «هدف تروریسم به سخن آوردن، جان تازه دادن، یا تحرك بخشیدن به هیچ چیز نیست. تروریسم هیچ‌گونه عواقب انقلابی ندارد. تروریسم، سکوت توده‌ها، سکوتی محصور از اطلاعات را هدف می‌گیرد». قرابت تروریسم و توده‌ها از این حیث قابل توجیه است که هر دو جریان نمایندگی امر اجتماعی را به طور وارونه نمایش می‌دهند. به گفته بودریا این دو «باز نمایند» وضع موجود هستند. رفتار کورکورانه تروریسم، در حقیقت چیزی جز خط بطلان کشیدن بر امر اجتماعی و تهی کردن امر واقعی از معنا نیست. این نوع تهی کردن، در حقیقت تقدیم دو دستی امر «حاد واقعی» به تروریسم است. قرابت و مجانست دیگر تروریسم و توده‌ها وجود انرژی متراکمی است که در آن کوشش می‌شود تا با جذب امر اجتماعی در خود، به امحای امر سیاسی منتهی شود (بردیار، ۱۳۸۹).

مطابق نظریه روان‌شناسی توده‌ها، شخصیت‌های رادیکال و افراطی افرادی هستند که با انگیزه و تحریک‌پذیری بالا کورکورانه از ارشد خود تبعیت می‌کنند. برخی دیگر از پژوهش‌ها نیز ریشه‌های خشونت ورزی را در آسیب‌شناسی فردی جستجو می‌کنند و معتقدند عوارض و کاستی‌های روانی، افراد را به سمت خشونت دسته‌جمعی سوق می‌دهد (Della porta, 1992).

علی‌رغم انتقاداتی که بر این نظریه‌ها وارد است، اما این نظریه‌ها یک نکته قابل توجه را آشکار می‌سازند و آن اینکه برای فهم و درک تروریسم ناگزیر از توجه به رهیافت جامعه‌شناسی خرد هستیم. اولین دلیل در ضرورت استفاده از این رهیافت، نتایج و یافته‌های پژوهش‌های جدیدی است که در این زمینه انجام شده است (نش و اسکات، ۱۳۸۸: ۳۸۰). بر اساس این پژوهش‌ها تصمیم برای عضویت در یک سازمان تروریستی یا طرفداری از آن به صورت فردی اتخاذ نمی‌شود؛ چنین تصمیمی داخل شبکه‌ای از دوستان گرفته می‌شود که مرام سیاسی مشترکی دارند. این گروه دوستان در تعریف هویت اعضا نقش مهم و مشخصی برای سیاست‌قائل می‌شوند و به تدریج

اعضای گروه را به سمت استفاده از خشونت تحریض می‌کنند. در همین جهت است که گروه بتدریج از نظر معرفتی و کارآمدی، یکدست و منسجم می‌شود و همین همبستگی گروهی زمینه را برای مبارزه مسلحانه فراهم می‌کند. در این رابطه راسل هاردین استدلال می‌کند که زمانی که اعضای یک گروه متقاعد شوند که آنها در یک بازی با حاصل جمع صفر درگیر هستند، منافع فرد اغلب با موفقیت گروه همسان تلقی می‌شود و به همین جهت دستاوردهای مورد انتظار از اقدام جمعی به سرکوب منافع گروه دیگر بستگی دارد. (Hardin, 1995, 5) در چنین شرایطی است که نقش برداشت یا تحلیل فرد و پاسخگویی و مسئولیت انفرادی رنگ می‌بازد و شبکه دوستان یا اعضای گروه جایگزین فرد می‌شود.

تصمیم برای تشکیل گروه‌های زیرزمینی توسط شبکه‌ای از اعضا اتخاذ می‌گردد، این اعضا با یکدیگر در ارتباط هستند و در اغلب مواقع خود را در حکم خانواده یکدیگر می‌بینند. التزام به گروه مخفی از طریق سازوکارهای پیچیده‌ای صورت می‌گیرد که امکان بریدن از گروه را به حداقل می‌رساند و بدین طریق اعضا همچنان به عنوان گروه باقی می‌مانند. داخل گروه ارتباط با جهان خارج از گروه کاهش می‌یابد و داخل گروه نیز یک شکل برای مبارزه مسلحانه شکل می‌گیرد؛ این دو فرآیند یعنی بریدن از بیرون و پیوستن به درون گروه مکمل یکدیگر هستند. بدین ترتیب تمام زوایای زندگی اعضا به سازمان وابسته می‌شود و سازمان، هم وسیله تامین معاش اعضا می‌شود و هم ضامن عزت نفس اعضا. وقتی داخل سازمان احساس همبستگی بالا باشد و اعضا با همدیگر صمیمی باشند ترک سازمان برای یکایک اعضا بسیار دشوار و به معنای خیانت به بهترین دوستان و دوری از امکانات مادی است و اعضای سازمان با محاسبه این پیامدها، خود را به گروه تروریستی نزدیک و وابسته تر می‌سازند. بنابراین چنانکه در بالا توضیح داده شد فرآیند پیوستن افراد به گروه‌های تروریستی از منظر جامعه‌شناسی سیاسی در سطح خرد یعنی سطح نیروهای پایه یک جنبش قابل تجزیه و تحلیل است، لذا چنین تجزیه و تحلیلی از منظر جامعه‌شناسی سیاسی خرد به شناخت علل و پیامدهای تروریسم کمک می‌کند.

سطح جامعه‌شناسی میانی

مدل کلاسیک از سازمان‌های تروریستی، سازمانی سلسله‌مراتبی سخت است که از سلولهای کوچک و مجزا تشکیل شده بود و اعضای این گونه سازمان‌ها هیچ اطلاعاتی درباره این سازمان‌ها نداشتند، چرا که هرگونه برنامه ریزی در مورد سازمان در سطحی بالاتر و خارج از سلول‌های آنها انجام می‌شد. این سازمان‌ها از طرق گوناگونی مانند انزوای اجتماعی از همه غیرخودی‌ها (به خصوص خانواده و دوستان سابق)، اثبات تعهد خود بوسیله انجام جنایات باج‌خواهی، تهدید فیزیکی و تلقین بدون دسترسی به

منابع دیگری از ایده‌ها و اطلاعات، منظم می‌شدند. همچنین منابع مالی مورد نیاز برای حفظ این سازمان‌های تروریستی از طریق کمک‌های مالی هواداران، و گاهی اعمال مجرمانه مانند آدم‌ربایی برای باج گرفتن، سرقت‌های بانکی و قاچاق مواد مخدر، تامین می‌شد (Turk, 2004: 276-277). امروزه این تصور از سازمان‌های تروریستی منسوخ شده، به گونه‌ای که تفاوت بین تروریسم داخلی و بین‌المللی به طور کمی معنادار است. این امر به دلیل پیشرفت‌های فناوری (ارتباطات الکترونیکی، شبکه‌های حمل و نقل و...) و امکانات حاصل از فرایند جهانی شدن است که راه‌های پیچیده‌تر و قابل انعطاف‌پذیری بیشتری را برای سازماندهی فعالیت‌های تروریستی در اختیار این گروه‌ها قرار می‌دهد.

بنابراین اگرچه تروریسم نوین در برابر جهانی شدن شکل گرفته، ولی از امکانات و توانایی‌های آن به طور کامل بهره‌می‌برد و در واقع در کنار تقابل، از رویکرد استخدام نیز سود می‌جوید. بدین ترتیب سازمان‌های تروریسم نوین، همگام با ظهور جامعه شبکه‌ای که ویژگی اصلی جهانی شدن است، سازماندهی می‌شوند و از این رو به آن تروریسم شبکه‌ای نیز گفته می‌شود. رویکرد شبکه‌ای به تروریسم اساس تحقیقات اخیر بر روی تروریسم است (Sageman 2004). به نظر می‌رسد تروریسم بین‌المللی مدرن به شکل شبکه‌است؛ جایی که افراد در سلول‌های مستقل عملیاتی تنها بوسیله چند عامل کلیدی با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند. به همین دلیل است که محققان بر درک ساختار شبکه تأکید کرده‌اند.

شبکه نوعی سازماندهی غیر سلسله‌مراتبی است (برخلاف مدل کلاسیک سازمان‌های تروریستی) که در آن رابطه کمابیش همتراز و همسطح مابین اعضا یا هسته‌های تشکیل‌دهنده آن وجود دارد. به عبارت دقیق‌تر، صورت بندی شبکه‌ای را می‌توان به تور ماهیگیری تشبیه کرد که هسته‌ها، گروه‌ها و جریان‌ها، گره‌های آن را تشکیل می‌دهند. این گره‌ها، عمدتاً در تعامل با یکدیگرند حداکثر استقلال را برای ابراز خلاقیت و هویت خود دارند. به این معنا شبکه، مجموعه‌ای از نقاط اتصال یا گره‌های بهم پیوسته است. نقطه اتصال یا گره، نقطه‌ای است که در آن یک منحنی خود را قطع می‌کند و اینکه نقطه اتصال چه چیزی است، مشخصاً به نوع شبکه‌های مورد نظربستگی دارد (کاستلز، ۱۳۸۰: ۵۴۴).

در عین حال سازماندهی شبکه‌ای، سازماندهی نوینی نیست. به بیان دیگر شکل شبکه‌ای سازمان اجتماعی در دیگر زمان‌ها و مکان‌ها نیز وجود داشته است. اما آنچه عنصر نوین در سازمان‌های شبکه‌ای جدید است، ناشی از تسلط پارادایم نوین تکنولوژی اطلاعات می‌باشد. از همین رو اطلاعات عنصر اصلی سازمان اجتماعی دنیای امروز به شمار می‌رود و جریان پیام‌ها و تصاویر بین شبکه‌ها، ستون فقرات این ساختار اجتماعی را شکل می‌دهند (کاستلز، ۱۳۸۰: ۵۳۳). بدین ترتیب القاعده نیز

نوعی شبکه گسترده تروریستی است که گروه های آن از طریق فناوری اطلاعات به هم مرتبطند. آنها از طریق شبکه های پشتیبانی کننده مالی و ایدئولوژیکی تقویت می شوند و به صورت غیر متمرکز عمل می کنند. بنابراین بر خلاف سازمان های کلاسیک تروریستی، این شبکه های تروریستی هیچ پایگاه واحدی ندارند تا بتوان با از بین بردن آنها کل تشکیلات را از بین برد.

در بعد عملیاتی نیز سازمان های تروریستی برای تاثیر گذاری هر چه بیشتر، نیاز به نوعی قابلیت جمع آوری اطلاعاتی دارند. در این چارچوب استفاده از منابع آشکار همچون اینترنت کمک مهمی به آنها در انتخاب هدف می کند. در واقع اینترنت و دیگر منابع نوین مانند ماهواره و... در بعد عملیاتی، کارکردهای بسیاری ایفا می کنند. این فناوری های نوین در خدمت مواردی چون عضوگیری، تبلیغات سیاسی، تامین مالی، ایجاد ارتباطات و هماهنگی بین گروه ها و درون گروه، جمع آوری اطلاعات و پنهان کاری و ناشناس ماندن در فعالیت های روزمره و نیز عملیات تاکتیکی قرار می گیرد (Tasfati and Weimann, 2002: 322). از سوی دیگر قابلیت ها و امکانات جهانی همچون ماهواره ها، سازمان های غیر دولتی، خطوط هوایمایی بین المللی، اینترنت و... می توانند به تروریست های جدید کمک کنند تا برای کسب منابع مالی، پناهگاهها، استخدام اعضا و آموزش آنها و تامین بسیاری دیگر از مایحتاج خود از دولت ها بی نیاز شوند (Simon and Benjamin, 2006: 7).

این سطح از بی نیازی موجب می شود ساختار سازمان های تروریستی جدید برخلاف سازمان های تروریستی کلاسیک، تک پایه باشد نه دو پایه. سازمان های قدیمی مانند ارتش جمهوری خواه ایرلند یا سازمان مجاهدین خلق ایران، غالباً ساختاری دو پایه داشتند، یعنی هم شامل سیستم های عملیاتی و ترور می شدند و هم برخی سیاستمداران و دیپلمات ها را در اختیار داشتند تا همزمان با اقدامات تروریستی، مقاصد سیاسی خود را به پیش ببرند. ساخت دو پایه مستلزم آن بود که سازمان های تروریستی از سوی دولت دیگر یا حزب مدعی قدرت پشتیبانی شوند و در عین حال، در پی دستیابی به قدرت سیاسی یا تسلط بر دولت باشند. به بیان دیگر، پیکر دو پاره این سازمان ها نشان دهنده بعد سرزمینی آنها است (پور سعید، ۱۳۸۸: ۱۸). بحرانی که سازمان مجاهدین خلق در اردوگاه اشرف در عراق تجربه می کرد و تمایل گاه به گاه سران این سازمان برای انتقال آن به دیگر کشورها ناشی از همین ویژگی است. در مقابل تروریسم جدید چون هویت محور است نه منفعت محور و از امکانات و قابلیت های جهانی شدن سود می برد، این امکان را دارد که ساختی تک پایه داشته باشد و در واقع غیر سرزمینی باشد. به همین دلیل نفوذ پذیری کمتری دارد و بسیار دشوارتر از گونه های پیشین می توان آن را متلاشی کرد.

از آنجا که تروریسم به طور فزاینده ای از طریق شبکه های سازمان یافته انجام می

شود، تجزیه و تحلیل متعارف سازمانی از این پدیده نمی‌تواند چندان راهگشا باشد و لذا بدیهی است که مدل توسعه یافته از طریق تجزیه و تحلیل شبکه مورد نیاز است. بنابراین هر رویکردی که برای فهم و درک تروریسم استفاده می‌شود، باید گذشته از رویکرد عملیاتی سابق، تحلیلی (با وضوح تعمیمی و توصیحی بیشتر) از پویایی مدل‌های سازمان‌های تروریستی ارائه دهد. تحلیل سازمان‌های تروریستی با استفاده از رویکرد شبکه‌ای می‌تواند به توضیح راه‌های استخدام گروه‌های تروریستی کمک کند. همچنین این دیدگاه دارای پتانسیل بیشتری نسبت به دیدگاه توصیف ساختاری گروه‌های شبه‌نظامی است و می‌تواند بیانگر قدرت و نفوذ این شبکه‌ها باشد. رویکرد شبکه‌ای نه تنها می‌تواند ظهور گروه‌های تروریستی را توضیح دهد، بلکه می‌تواند فرآیند پویایی و دینامیک بودن آن را نیز تبیین کند. بنابراین از منظر جامعه‌شناسی سیاسی شکل‌گیری گروه‌های تروریستی و نحوه عملکرد آنها در سطح تحلیل میانی یعنی سطح سازمان‌ها و تشکلهای یا به عبارت دیگر سطح نیروهای نفوذ، قابل تجزیه و تحلیل است.

سطح جامعه‌شناسی کلان

متون علوم اجتماعی مملو از نقش شرایط محیطی در ایجاد و گسترش خشونت سیاسی است. به عبارت دیگر در بین پژوهش‌هایی که در زمینه خشونت سیاسی انجام شده است، بخش قابل توجهی به تحلیل نقش و سهم شرایط محیطی در پیدایش و گسترش خشونت سیاسی اختصاص یافته و عوامل گوناگون اقتصادی، اجتماعی، سیاسی یا فرهنگی به عنوان دلایل احتمالی بروز رفتارهای خشونت‌آمیز عنوان شده‌اند. تبیین‌های ساختاری خشونت سیاسی که در اغلب مواقع در قالب داده‌های کلی جمع‌آوری شده‌اند مبتنی بر کشورهای متعدد هستند. عوامل مختلفی مانند سطح توسعه جامعه، شکافهای قومی، میزان تفاوت اجتماعی و فرهنگ سیاسی را در وقوع خشونت موثرند. در بسیاری از مطالعات موردی که در رابطه با خشونت سیاسی انجام گرفته است، اکثر خشونت‌های رادیکال سیاسی به عواملی چون فرآیند نوسازی، ناکارآمدی نیروی اجبار دولت و دگرگونی سریع نظام ارزشها نسبت داده شده‌اند (Della porta, 1995).

بخش مهمی از پژوهش‌ها، تروریسم را بیش از هر چیز معلول اختلال در کارکرد نهاد‌های سیاسی می‌دانند. دلایل تشدید تروریسم هم یکدست و روشن نیستند و عوامل متعدد و تا حدودی متناقض در تسریع و تشدید تروریسم موثرند؛ بی‌ثباتی دولت یا نبود بدیل مناسب برای دولت، سرکوب بیش از حد یا ضعف قوای سرکوب دولتی، اصلاحات ناقص یا تغییرات رادیکال، همگی از جمله دلایل تشدید و تسریع تروریسم در جامعه عنوان شده‌اند (Della porta, 1995).

تحلیل های کلان در ریشه یابی تروریسم، شرایط وقوع و رشد تروریسم را مورد توجه قرار داده و از آن به عنوان منبع اصلی تشدید یا تخفیف منازعات سیاسی نام برده اند. بنابراین در این سطح تحلیل (سطح کلان) این محیط و شرایط محیطی است که موجب تند یا کند شدن منازعات و تنش های سیاسی می شود. به عبارت دیگر، ظهور سازمان ها و تشکیلات تروریستی معلول زمینه ها و تسهیلات مناسبی است که بعضی نهادها فراهم می کنند. به عنوان مثال، نهادی به نام پلیس هم می تواند گروه های تروریستی را به شیوه مناسبی سرکوب کند و هم می تواند موجب تشدید فعالیت های تروریستی شود. احزاب سیاسی نیز در رونق یا رکود فعالیت های تروریستی موثرند؛ احزاب می توانند این گروه ها را منزوی یا آنها را فعال کنند. اما مهمترین نکته در مورد ریشه های ظهور سازمان های تروریستی، نحوه تعامل بین دولت و جنبش های اجتماعی است (Beck, 2008). در اکثر جوامع سازمان های تروریستی از میان جنبش های اجتماعی سربر می آورند که نسبت به پاسخ نابهنگام یا نامناسب نهادهای دولتی اعتراض داشته و در اعتراض خود به روش های تند روی آورده اند. بنابراین توجه به شرایط محیطی در سطح تحلیل کلان نه تنها در توضیح تفاوت های ساختاری و ایدئولوژیک گروه های تروریستی که در زمانها و مکانهای مختلف ظهور می کنند، بلکه در تبیین تحولات داخلی گروه های تروریستی نیز سودمند است.

از منظر جامعه شناسی کلان، بسیاری از گروه های تروریستی هنگامی سربر می آورند که جامعه از نظر اجتماعی و سیاسی در شرایط بحرانی است. بنابراین سبک زندگی و ابعاد سازمان های تروریستی به میزان شدت منازعات سیاسی و اجتماعی بستگی دارد؛ اگر شدت منازعات بالا باشد سازمان های مذکور شیوه زندگی خاصی در پیش می گیرند. به عنوان مثال در رژیم های دموکراتیک گروه های تروریستی چپ گرا نمی توانند اعضای زیادی جذب کنند و معمولاً تعداد اعضای آنها فراوان نیستند. این در حالی است که مبارزه مسلحانه در کشورهایی که دموکراسی در آنها ضعیف است و نظام سیاسی حاکم بر آنها از شناسایی معضلات اجتماعی ناتوان است، طرفداران زیادی جذب سازمان می کند.

شرایط محیطی در پیدایش و فعالیت گروه ها و سازمان های تروریستی موثر هستند (Jenkin, 2006, 7). با این وجود، خود این سازمان ها هم تا حدود مشخصی از استقلال نظر برخوردارند و اینگونه نیست که سازمان تروریستی مقهور شرایط محیطی باشد. واقعیت این است که سازمان های تروریستی در پی رقابت با سایر سازمان هایی که آنها هم عضو همان جنبش اجتماعی هستند، شکل می گیرند. این سازمان ها با انتخاب مشی مسلحانه بر تفاوت خود با سایر سازمان ها و نیز بر هویت رادیکال خود تاکید می کنند. نکته مهمی که در پایان باید به آن اشاره کرد اینکه تروریسم فقط

در پی سرکوب شدید بوجود نمی آید، بلکه ممکن است در شرایط عدم سرکوب هم شاهد پیدایش و گسترش حرکت های تروریستی باشیم؛ بدین ترتیب که سازمان های تروریستی به منظور ابراز مخالفت با وضعیت صلح آمیزی که بقای سازمان را در معرض خطر قرار می دهد، فعالیت های خشونت آمیز خود را تشدید کنند. بنابراین از منظر جامعه شناسی سیاسی، فعالیت گروه های تروریستی در سطح کلان در حوزه سیاست صورت می گیرد؛ چرا که فعالیت این گروه ها نه تنها در دوره های دگرگونی و تغییر اساسی در زندگی اجتماعی و سیاسی بلکه در دوره های ثبات نیز ادامه دارد.

نتیجه گیری

امروزه، پدیده تروریسم در جهان در حال گسترش است و سیاست جهان را تحت تاثیر خود قرار داده است. این پدیده به عنوان پدیده جایگزین در تحولات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و ... عمل می کند و زندگی سیاسی را به چالش می کشد. به دلیل اهمیت این موضوع، مقاله حاضر سعی کرد علاوه بر سنخ شناسی تروریسم تبیینی جامعه شناختی از این پدیده ارائه دهد. به عبارت دیگر، مقاله تروریسم را پدیده ای اجتماعی قلمداد کرده و پایگاه جامعه شناختی برای آن قائل است و ریشه های شکل گیری این پدیده را با رویکرد جامعه شناختی تبیین کرده است. بدین منظور برای بررسی تروریسم، این پدیده از منظر سه سطح تحلیل جامعه شناسی یعنی جامعه شناسی خرد، میانی و کلان مورد بررسی قرار گرفت. در سطح تحلیل خرد، ویژگی های اعضا و طرفداران گروه ها و سازمان های تروریستی بررسی شد که در این رابطه عامل ایدئولوژی به عنوان مهمترین علت گرایش افراد به فعالیت های تروریستی تبیین شد. در سطح تحلیل میانی گروه ها و سازمان های تروریستی مورد بررسی قرار گرفتند؛ چرا که از منظر جامعه شناختی شکل گیری جنبش ها و سازمان های اجتماعی در سطح تحلیل میانی قرار می گیرد. در این سطح استدلال گردید که امروزه گروه ها و سازمان های تروریستی از شکل فعالیت سنتی خود خارج شده و با توجه به پیشرفت های تکنولوژیک در قرن حاضر از این امکانات و پیشرفت ها در جهت پیشبرد منافع و مقاصد خود بهره برداری می کنند به گونه ای که امروزه به فعالیت گروه های تروریستی عنوان "تروریسم" شبکه ای لقب داده اند. در سطح تحلیل کلان نیز بر محیط و شرایط بین المللی که زمینه فعالیت گروه های تروریستی را فراهم می کند تاکید گردید و استدلال شد که این شرایط عمدتاً توسط دولت‌ها فراهم می شود که با اتخاذ سیاست های گوناگون فضای لازم جهت فعالیت گروه های تروریستی را مهیا می کنند.

منابع و مأخذ

- آشوری، داریوش (۱۳۸۰)، دانشنامه سیاسی، تهران، انتشارات سهروردی
احمدیان راد، رضا (۹۱/۶/۷). زوایای پیدا و پنهان پدیده تروریسم، روزنامه رسالت،
شماره ۷۶۲۴.
- بدی، توماس جی (۱۳۷۸)، تعریف تروریسم بین الملل، ترجمه سید رضا میر طاهر،
فصلنامه مطالعات راهبردی، ش ۶۵
- بردیار، ژان (۱۳۸۹)، در سایه اکثریت خاموش، ترجمه پیام یزدان جو، تهران، نشر مرکز
بورینه، ژاک (۱۳۸۲). تجزیه و تحلیل اقتصادی تروریسم، ترجمه علیرضا طیب، تهران:
نشر نی.
- پورسعید، فرزاد (۱۳۸۸)، تحول تروریسم در روابط بین الملل، فصلنامه مطالعات
راهبردی، سال ۱۲، ش ۴
- گر، تد رابرت (۱۳۹۱)، چرا انسانها شورش می کنند، ترجمه علی مرشدی زاد، تهران،
پژوهشکده مطالعات راهبردی
- خامه ای، انور (۱۳۸۱)، جامعه شناسی و تاریخ تروریسم، تهران، انتشارات چاپخش
طیب، علیرضا (۱۳۸۰). تروریسم در فراز و فرود تاریخ، فصلنامه راهبرد، شماره ۲۱،
صص ۶۷-۵۳.
- فیرحی، داود و صمد ظهیری (۱۳۸۷). تروریسم؛ تعریف، تاریخچه و رهیافت های
موجود در تحلیل پدیده ی تروریسم، مجله سیاست، شماره ۷، صص ۱۶۶ - ۱۴۵.
- عباسی، مهدی (۱۳۸۳). اینترنت؛ ابزار سیاست (تروریسم مجازی؛ تهدیدی برای آینده)،
نشریه فرهنگی و فناوری، شماره ۳.
- الشیخ محمد، سامی (۱۳۸۷). مفهوم تروریسم و انواع آن، مترجم سیده فاطمه حسینی
میرصفی، برگرفته از سایت: www.aljazeera.net
- صدقیانی، سهیلا (۹۱/۲/۴). ماهیت شناسی تروریسم، برگرفته از سایت: <http://an-jomanejormshenasi.blogfa.com/post/2>
- لیپمن، مایکل و گری پاتر (۱۳۸۲)، تروریسم به عنوان جرمی سازمان یافته، ترجمه
علیرضا طیب، تهران، نشر نی.
- متقی، ابراهیم، ظهیری، صمد و فاطمه جلائیان (۱۳۸۸)، تروریسم و جنبش های
اجتماعی-سیاسی جدید، فصلنامه سیاست، دوره ۳۹، ش ۱
- نش، کیت و آلن اسکات (۱۳۸۸)، راهنمای جامعه شناسی سیاسی، ترجمه قدیر نصیری
و محمد علی قاسمی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- Beck. C (2008). The contribution of social movements theory to
understanding terrorism. *Sociology compass*.1565-1581.

- Pape. R (2003). "Strategic logic of suicide terrorism". American science review, vol.97. No 3.
- Hardin. R (1995). One for all: the logic of group conflict. Princeton. Princeton university press.
- Turk. A.T (2004). "Sociology of terrorism". Annual review of sociology. Vol, 4. No.30
- Della porta. D (1995). Social movements, political violence and state. Cambridge. UK.
- Della porta. D (1992). Social movements and violence: participation in undergroup organizations. Greenwich. CT:jai press.
- Sageman. M (2004). Understanding terrorism networks. Philadelphia. University of pennsylvanid press.
- Tasfati. Y & Weimann. G (2002). "Terror on the internet". Studies in conflict and terrorism. Vol.25. no 5. Pp:317-332.
- Simon. S & Benjamin. D (2006). "America and new terrorism". Survival. Vol.42, no 1.
- Jenkin. C.A (2006). "Risk perception and terrorism". Homeland security affairs. Vol 2, no2.
- Kornhauser. W (1959). The politics of mass society. Glencoe, IL.
- Schmid. A (1985). Political terrorism. American North Horth publishing Co.
- Mythen. G & Walklate. S (2006). Criminology and terrorism. Oxford journal law. Vol.46. no 3.
- Steinhof. U (2007). On the ethic of war and terrorism. New york. Oxford university press.
- Zalman, Amy (2010). The origin of the new terrorism. Avillable at : www.terrorism.about.com